

درس شانزدهم

آداب مطالعه فارسی ششم ابتدایی

معنی کلمات

احوال : جمع حال ، وضع ها ، سرگذشت ها

عجایب : جمع عجیب ، شگفتی ها

گشاده : باز ، مفتوح ، جاری ، وسیع

محنت : رنج

شدت : سختی ، بدبختی ، رنج

بند : طناب ، ریسمان

تسلی : آرامش دادن ، کم کردن غم و اندوه کسی

زوال : نابودی ، رو به نیستی رفتن

ملک : پادشاهی ، کشور

سلاطین : پادشاهان

عبرت گرفتن : پند گرفتن

بی شمار : بی حساب ، بسیار زیاد

تعالی : بلند مرتبه ، برتر

رسولان : جمع رسول ، پیامبران ، فرستادگان

ثابت : پابرجا ، استوار

حکایت : داستان ، قصه ، سرگذشت

نظم : شعر ، کلام موزون و با قافیه

ادا کردن : اجرا کردن ، بیان کردن

بر : نزد ، جانب ، کنار

فروماند : درمانده نشود ، ناتوان نشود

چست : چابک ، تند و تیز

خام : بی تجربه ، ناپخته

لائق : سزاوار ، شایسته

راغب : مایل ، علاقه مند

نثر : نوشته ، نوشته ای که شعر نباشد

وقت وقت : گه گاه ، گاهی وقت ها

آراسته : منظم ، مزین

طعام : غذا

دیگ : ظرف بزرگی که در آن غذا می پزند

اعتدال : میانه روی

محال : نشدنی ، غیر ممکن

گزاف : دروغ ، لاف

سبک : پست ، خفیف ، در این درس به معنای خوار و ذلیل

آداب : جمع ادب ، رسوم ، عادات

شرح : توضیح دادن

مستمع : شنونده

ملول : غمگین ، آزرده

فاتحه : آغاز کار ، اول چیزی ، گشایش ، اولین سوره قرآن کریم

تکبیر :الله اکبر گفتن ، بزرگ شمردن

دویم : دوم

ادا : انجام دادن

سیم : سوم

چست و چالاک : تند و سریع

معنی متن درس آداب مطالعه

بدان که قصه خواندن و شنیدن، فایده‌ی بسیار دارد:

آگاه باش که داستان خواندن و داستان شنیدن فواید زیادی دارد:

اول آنکه از احوال گذشتگان خبردار شود.

فایده‌ی اول این است که انسان از سرگذشت پیشینیان آگاه می‌شود.

دویم آنکه چون عجایب بشنود، نظر او به قدرت الهی، گشاده گردد.

فایده‌ی دوم قصه این است که وقتی انسان درباره‌ی شگفتی‌های جهان می‌خواند، شناخت او نسبت به

قدرت خداوند بیشتر می‌شود.

سیم، چون محنت و شدت گذشتگان شنود، داند که هیچ کس از بند محنت آزاد نبوده است، او را تسلی باشد.

فایده‌ی سوّم این است که وقتی انسان قصّه‌ی رنج و سختی‌هایی که پیشینیان تحمل کرده‌اند را می‌شنود به این نکته پی می‌برد که هیچکس بدون رنج و درد نبوده و این سختی‌ها فقط برای او نیست در نتیجه موجب کم شدن غم و اندوه او می‌شود.

چهارم، چون زوال مُلک و مال سلاطین گذشته شنود، دل از مال دنیا و دنیا بردارد و داند که با کس، وفا نکرده و نخواهد کرد.

فایده‌ی چهارم این است که وقتی قصه‌ی نابودی کشور و اموال پادشاهان گذشته را می‌شنود دیگر به مال دنیا دل نمی‌بندد زیرا می‌داند که دنیا و مال دنیا به هیچ کس وفادار نمانده و نخواهد ماند. پنجم، عبرت بسیار و تجربه‌ی بی‌شمار او را حاصل شود.

فایده‌ی پنجم این است که پند فراوانی می‌گیرد و تجربه‌ی زیادی به دست می‌آورد.

و خدای تعالی با حضرت رسول (ص) می‌گوید: «ای محمد، ما از قصّه‌های رسولان و خبرهای پیغمبران بر تو می‌خوانیم؛ آنچه بدان، دل را ثابت گردانیم و فایده‌های کلیّی تو را حاصل گردد» (قرآن کریم، سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۲۰).

خداوند بلند مرتبه به حضرت محمد (ص) می‌گوید: «ای محمد، ما اخبار و داستان‌های پیامبران قبل از تو را برای تو روایت می‌کنیم، چیزی که باعث آرامش تو می‌شود و از آنها سودهای بی‌اندازه به تو می‌رسد» (قرآن کریم، سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۲۰).

پس معلوم شد که در قصّه‌های گذشتگان، فایده‌ای هست و خواننده و گوینده و شنونده را از آن فایده رسد. اگر پرسند که قصّه‌خوانی، چند نوع است، بگوی دو نوع: اول حکایت و دویم نظم‌خوانی.

پس مشخص شد که داستان‌های پیشینیان فوایدی دارد که هم برای خواننده، هم گوینده و هم شنونده مفید است. اگر از تو پرسیدند که قصّه‌گویی چند نوع است؟ بگو دو نوع: اول، داستان‌هایی که به صورت حکایت است و نوع دوم، داستان‌هایی که به صورت شعر است.

اگر پرسند که آداب حکایت‌گویان چند است،

اگر از تو پرسیدند که حکایت‌گویان چه نکات و آدابی را باید رعایت کنند،

بگوی: اول آنکه قصه‌ای که ادا خواهد کرد، باید که بر اُستاد خوانده باشد و با خود تکرار کرده باشد تا فرو نماند. دویم آنکه چُست و چالاک به سخن در آید و خام نباشد.

بگو اول اینکه (حکایت‌گو) قصه‌ای را که می‌خواهد باز گو کند برای یک استاد بخواند و همچنین آن را با خود تمرین کرده باشد تا در هنگام قصه‌گویی چیزی را از یاد نبرد. دوم اینکه در فن سخن گفتن چابک و زرنگ باشد و بی‌تجربه نباشد.

سُیم باید که داند که جماعت، لایق چه نوع سخن است، بیشتر، از آن گوید که مردم، راغب آن باشند.

سوم اینکه باید بداند چه سخنی برای شنوندگان مناسب است و بیشتر در مورد مطالبی حرف بزند که مردم می‌پسندند.

چهارم، نثر را وقت و وقت به نظم آراسته گرداند که بزرگان گفته‌اند: نظم در قصه‌خوانی چون نمک است در دیگ؛ اگر کم باشد، طعام بی‌مزه بود و اگر بسیار گردد شور شود؛ پس اعتدال، نگاه باید داشت.

ساینس هاب

چهارم اینکه باید در زمان‌های مناسب در بین قصه‌ی خود از شعر نیز استفاده کند زیرا بزرگان گفته‌اند: شعر در میان قصه خواندن مانند نمک زدن به غذا است اگر کم بزنی غذا بی‌مزه می‌شود و اگر زیاد بزنی غذا شور می‌شود؛ پس باید میانه‌روی کرد.

پنجم، سخنانِ محال و گزاف نگوید که در چشم مردم، سبک شود.

پنجم اینکه سخنان غیرممکن و بیهوده نگوید که در چشم مردم، ارزشِ خودش را از دست می‌دهد.

اگر پرسند که آدابِ نظم‌خوانی چند است،

اگر پرسند که آداب شعرخوانی چگونه است؟

بگوی: اوّل آنکه به آهنگ خواند.

بگو اول اینکه شعر را با وزن و آهنگ بخواند.

دویم، سخن را در دل مردم بنشانند.

دوم اینکه شعر را به گونه‌ای بخواند که در مردم تاثیرگذار باشد.

سیم، اگر بیتی مشکل پیش آید، شرح آن با حاضران بگوید.

سوم اینکه اگر در شعر بیتی بود که فهم آن برای دیگران پیچیده بود، معنی آن بیت را توضیح بدهد.

چهارم، چنان نکند که مُسْتَمَع، ملول گردد.

چهارم اینکه شعر را به گونه‌ای نخواند که شنونده آزرده و خسته شود.

پنجم، صاحب آن نظم را در اوّل یا آخر، یاد کند و فاتحه و تکبیر گوید.

پنجم اینکه در ابتدا یا پایان شعر، نام شاعر آن شعر را بگوید و برای او فاتحه‌ای بخواند و تکبیر بگوید.

کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی، فُتُوْت نامه‌ی سلطانی

